

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

The Guardian

حمله‌ای که شکست بزرگ بود

پنجاه روز پس از بمباران و حملات موشکی غیرقانونی که توسط دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و بنیامین نتانیاو، رهبر اسرائیل به ایران انجام شد، به‌رغم ادعاهای گزاف آنها در مورد موفقیت فراگیر و جهانی اقدامات‌شان، هیچ چیزی که شبیه به یک نتیجه مثبت باشد، مشاهده نمی‌شود. تاسیسات هسته‌ای ایران، آنگونه که ترامپ ادعا کرده‌بود با خاک یکسان نشد. تهران غنی‌سازی اورانیوم را رها نکرد. به‌رغم درخواست نتانیاو برای خیزش مردم ایران، نظام جمهوری اسلامی سقوط نکرد. بر عکس به نظری می‌رسد که رهبر معظم ایران، آیت‌الله علی خامنه‌ای، بسیار مصرتر شده‌است. در ایران موج جدیدی از سرکوب علیه مخالفان و اعدام‌ها به راه افتاده‌است. اقدام‌های آمریکا و اسرائیل، نتایج منفی بیشتری هم بر جا گذاشته‌است. به گفته گروهی از کشورهای جنوب جهانی در بریکس، حملات نقض منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل بود. این اقدام‌ها شکاف میان آمریکا و اروپا را تشدید کرد و از قضا باعث شد احتمال ساخت بمب اتمی توسط ایران برای دفاع از خود بیشتر شود. ایران تأکید دارد که نه بمب اتمی در اختیار دارد و نه می‌خواهد چنین سلاحی در اختیار داشته‌باشد. به‌رغم تمام ادعاهای گزاف اسرائیل در مورد توانایی اطلاعاتی، نه نتانیاوو نه هیچ‌کس دیگری تاکنون نتوانسته‌است ادعا کند که ایران خلاف می‌گوید. تصمیم به حمله نتیجه یک حسد بود که فقط از روی بغض و کینه زده‌شده‌بود. این حمله فقط باعث آسیب‌های فیزیکی شدید شد، اما ذهنیت‌ها را تغییر نداد. ایران یافشاری می‌کند که به غنی‌سازی اورانیوم برای مقاصد صلح‌آمیز ادامه خواهد داد. بمباران یک شکست کامل بود و تهدیدهای خشمگانه ترامپ در مورد حمله مجدد هم شاهدهی بر شکست هستند. اما نتیجه‌ای که از این حملات بی‌ملاحظه حاصل شد این بود که دیگر کشورهای یابی مانند روسیه نیز تشویق شدند به این باور برسند که می‌توانند با مصنویت به کشورهای دیگر حمله کنند. نتیجه این بود که در میان حلقه‌های رهبری ایران، و نه فقط جناح بدبین به غرب، این باور تقویت شد که نمی‌توان به غرب اعتماد کرد و باید ائتلاف نزدیک‌تری با چین برقرار کرد. به لحاظ تاریخی اگر بخواهیم تحلیل کنیم، ایران یکی از ترازهای قابل اجتناب‌ویکی از بدترین گل به خودی‌های ژئواستراتژیک غرب بوده و هست. حمایت فکر نشده از شاه باعث انقلاب ۱۹۷۹ شد. پس از آن روی کار آمدن حکومت روحانیان محافظه‌کار، که به هیچ وجه ناگزیر نبود، خصومت غیرمنطقی آمریکا که ناشی از گروگان‌گیری تحقیرآمیز در سفارت تهران بود، باعث شد که شکاف، دائمی شود. اروپا تلاش کرد که یک راه وسط پیدا کند و شکست خورد. سال ۲۰۱۸ ترامپ توافق هسته‌ای تصویب شده توسط آمریکا، سازمان ملل و اتحادیه اروپا را با تهران پاره کرد و تحریم‌ها را علیه ایران از سر گرفت. این اقدام یکی از واپسین اشتباه‌های سیاست‌گذاری بود که به بن‌بست امروز منتج شد. اگر آدم‌های هوشمندتری تصمیم می‌گرفتند، وضعیت کنونی کاملاً متفاوت بود. همه طرف‌ها باید نوشته‌های فیلسوف دوران روشنگری فرانسه، شارل دو اسکوتندا، بارون منتسکیو را مطالعه کنند. او در کتاب پرفروش «نامه‌های پارسی» سال ۱۷۲۱ حدود ۳۰۰ سال پیش با دقت باور نکردنی در مورد آنچیزی که آن روزها سلاح کشتار جمعی خیالی تلقی می‌شد، توضیح می‌دهد. او به نقل از شخصیت داستانی خیالی ایرانی‌اش «ازبک» که در حال جهانگردی بود، می‌نویسد: «شما می‌گویید که نگران کشف روشی مخرب‌تر از روش‌های تخریب کنونی هستید که اکنون استفاده می‌شود. اگر چنان چیزی کشف شود بلافاصله توسط قانون بین‌المللی منع می‌شود و با اجماع همه کشورهای جهان، آن سلاح کشف‌شده، برای همیشه دفن می‌شود.» در این چارچوب که سلاح‌های هسته‌ای منع شده‌اند، به نظر می‌رسد که پیش‌بینی خوش‌بینانه ازبک درست از آب در آمد. اما «همه کشورهای جهان» از این منع پیروی نکردند. اگر آمریکا و اسرائیل واقعاً در موضع خودشان برای اجتناب از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای جدی هستند، خودشان باید به الگوتبدیل شوند و زرادخانه هسته‌ای‌شان را کاهش دهند و در نهایت از بین ببرند. آنها باید تهدید به حمله‌های بیشتر را متوقف کنند. و باید از یک توافق هسته‌ای منطقه‌ای حمایت کنند، مشابه توافقی که توسط وزیر خارجه پیشین ایران، محمدجواد ظریف پیشنهاد شده‌است. فقط در این شرایط است که تهران از حالت دفاعی خود خارج می‌شود و البته جلوی اعدام افراد بی‌گناه هم گرفته می‌شود.

دیپلماسی
DIPLOMACY



شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

۲۵ خردادماه امسال قرار بود دور ششم مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در مسقط برگزار شود. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و استیو ویتکاف، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا در امور خاورمیانه از ۵ دور مذاکره پیشین اظهار رضایت کرده و این مذاکرات را جدی و مثبت ارزیابی کرده بودند اما آغاز حملات رژیم اسرائیل به ایران دو روز قبل از انجام این مذاکرات، عملاً مذاکرات ایران و آمریکا را در محاق فرو برد. داریل کیمبال، مدیر اجرایی انجمن کنترل تسلیحات، تأکید دارد که هر حمله‌ای به تاسیسات هسته‌ای کشور دیگر غیرقانونی و نقض حقوق بین‌الملل است و البته حمله به تاسیسات ایران به این دلیل که تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داشت، اقدامی خطرناک‌تر محسوب می‌شد. با این حال این کارشناس عدم اشاعه هسته‌ای معتقد است که در صورت وجود اراده و انعطاف از سوی طرف‌ها همچنان راهی برای رسیدن به یک توافق هسته‌ای میان ایران و غرب وجود دارد. در ادامه متن کامل گفت‌وگوی «هم‌میهن» را با داریل جی. کیمبال، مدیر اجرایی انجمن کنترل تسلیحات (Arms Control Association) مطالعه می‌کنید.

مقام‌های جمهوری اسلامی ایران حمله به تاسیسات هسته‌ای فعال ایران را اقدامی «بی‌سابقه» در تاریخ جنگ‌ها توصیف کرده‌اند. به اعتقاد شما این نظر تا چه اندازه درست است و حمله به تاسیسات هسته‌ای فعال از لحاظ حقوقی چه وضعیتی دارد و چه تأثیری بر نظام ایمنی هسته‌ای بر جا می‌گذارد؟

هیچ تردیدی وجود ندارد که حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران اقدامی بی‌سابقه در تاریخ معاصر بود. اقدام به حمله به هر تاسیسات هسته‌ای غیرقانونی است. این حمله به‌طور خاص یک نقض فاحش و خطرناک بود چرا که به تاسیسات هسته‌ای ایران انجام شد که در غنی‌سازی اورانیوم نقش داشتند و تحت نظارت پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داشتند. علاوه بر این منشور ملل متحد حملاتی را که در راستای دفاع از خود نباشند، منع می‌کند. بر اساس ارزیابی ما، حمله اسرائیل به ایران و بمباران آمریکا اقدامی در دفاع از خود نبود. البته برنامه هسته‌ای ایران ریسک اشاعه دارد، چرا که مواد غنی‌شده ایران می‌توانست به سطح تسلیحاتی غنی شود و به تسلیحات تبدیل شود، اما این موضوع در آن زمان یک تهدید فوری برای آمریکا یا اسرائیل نبود. به‌همه دلایلی که گفته‌شد به نظر من این حملات یک اشتباه و یک عقب‌گرد بود و باعث شد چیزی که بیش از هر چیز دیگر مورد نیاز است، یعنی مذاکرات بین ایران و ایالات متحده، ایران و کشورهای اروپایی را پیچیده‌تر کند و البته روابط ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را نیز پیچیده‌تر کرد. رابطه ایران با آژانس به این دلیل ضروری بود که می‌توانست به دنیا تضمین بدهد که برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز باقی می‌ماند. علاوه بر این متعدهم که ایران باید چنین اطمینانی را ارائه بدهد که برنامه هسته‌ای‌اش صلح‌آمیز باقی می‌ماند. من فکر می‌کنم در نتیجه تصمیم‌های بنیامین نتانیاو، نخست‌وزیر اسرائیل و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای انجام این حملات، در شرایط غیرمطمئن‌تری قرار داریم.

مقام‌های ایرانی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و غرب را به دلیل محکوم نکردن این حملات مورد انتقاد قرار می‌دهند. ماقبلاً مشاهده کرده‌بودیم که وقتی جنگ اوکراین به اطراف نیروگاه هسته‌ای زاپروژیا در اوکراین کشیده‌شد، رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شخصاً به منطقه سفر کرد و با شدیدترین ادبیات حملات احتمالی به آن منطقه را محکوم کرد اما در پرونده حملات به تاسیسات هسته‌ای ایران ما چنین شکلی از محکومیت‌ها و واکنش‌ها را مشاهده نکردیم. فکر می‌کنید چرا چنین تفاوت‌هایی وجود دارد؟

روایت
کارشناسی

ضروری است که بازرسان به ایران بازگردند تا اطلاعات بنیادین آژانس دوباره شکل بگیرد. آمریکا و اسرائیل باید تضمین بدهند که در حین اجرای این برنامه هیچ حمله دیگری انجام نمی‌شود. ایران تا اطلاع ثانوی عملیات غنی‌سازی اورانیوم را تعلیق کند. در هر صورت نظنز و فردو در حال حاضر غیرقابل بهربرداری هستند و در نتیجه ادامه غنی‌سازی فعلاً اساساً گزینه جاری نیست

به نظر شما در مجموع اثر این حملات بر نظام عدم اشاعه هسته‌ای چیست؟ به هر حال ممکن است در این حملات بخشی از مواد غنی‌سازی یا ابزارهای ایران آسیب دیده‌باشد یا مفقود شده‌باشد.

دیدگاه سازمان ما، یعنی انجمن کنترل تسلیحات این است که سال‌ها تجربه تاریخ عدم اشاعه هسته‌ای نشان می‌دهد که اثرگذارترین مسیر برای جلوگیری از اشاعه بیشتر تسلیحات هسته‌ای فناوری‌های حساس هسته‌ای از طریق دیپلماسی، از طریق احترام به پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و از طریق تلاش‌های کشورهای دارای سلاح هسته‌ای برای اجتناب از مسابقه تسلیحاتی بیشتر و حرکت به سمت دنیای بدون سلاح هسته‌ای می‌گذرد. در نتیجه اینکه اثر بلندمدت این حملات چیست، مسئله‌ای است که باید منتظر باشیم و با تحولات آینده ارزیابی کنیم. عوامل اثرگذار در این موضوع تصمیم‌های رهبران منطقه از جمله ایران و تصمیم‌های ایالات متحده و مردم کشورهای ما هستند. به‌نظر من همه این موضوع را فهمیده‌اند و به‌نظر من حتی دونالد ترامپ و همچنین رئیس‌جمهور ایران و رهبر معظم ایران هم متوجه هستند که بهترین راه برای حل و فصل بن‌بست موجود در فعالیت‌های حساس هسته‌ای ایران از طریق دیپلماسی ممکن است. متأسفانه ایالات متحده و به‌طور اخص دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده به توافق ۲۰۱۵ برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) احترام نگذاشت و از آن خارج شد. به‌نظر ترامپ در دوره دوم ریاست‌جمهوری‌اش به تدریج متوجه شد که یک توافق دیپلماتیک، مسیر بهتری است. من فکر می‌کنم که او همچنان متوجه این موضوع هست، اما در پی این حملات دیگر کمتر تمایل دارد و احساس فوریت می‌کند. دلایلش این است که به اعتقاد من یک باور غلط دارد که حملاتی که دستورش را داد، توانمندی‌های هسته‌ای ایران را کاملاً نابود کرد. خوب یا بد، این اتفاق رخ نداده‌است. دولت ایران همچنان همه با مقداری از آن اورانیوم غنی شده ۶۰ درصدی که حدود ۴۰۸ کیلوگرم بود در اختیار دارد و حتی اگر نظنز و فردو به شدت آسیب دیده‌باشند، همچنان توانمندی ساخت سانتر فیتو‌های جدید دارد. تحریم‌ها همچنان پابرجا هستند و ما داریم که سه قدرت اروپایی گفته‌اند که اگر ایران به بازرسان آژانس اجازه ندهد که به کشور بازگردند به دنبال بازگشت قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه ایران هستند.

با این اوصاف من معتقدم که اثر این حملات بر تلاش‌های چنددهه‌ای عدم اشاعه با توجه به تصمیم‌هایی که در چند هفته آینده گرفته می‌شود و این تصمیم‌ها بسیار اهمیت دارند، مشهود خواهد بود. من معتقدم که همه باید درک کنند که دیپلماسی بهترین گزینه است. نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بسیار مهم است و هر توافقی در آینده که تحریم‌ها را برطرف کند و مقرراتی برای برنامه هسته‌ای ایران تعیین کند، نیازمند اطلاعات بنیادینی است که توسط

داریل کیمبال مدیر اجرایی انجمن کنترل ت

نقشه راه توافق هر

ایران نباید رافائل گروسی را

آژانس ارائه می‌شود. این اطلاعات شامل این است که فعالیت‌های هسته‌ای ایران چیست و مواد هسته‌ای ایران چقدر است و در کجا قرار دارد. در عین حال ضروری است که همه طرف‌ها از تهدیدها اجتناب کنند. ایالات متحده آمریکا و اسرائیل، در شرایطی که ایران با آژانس همکاری می‌کند تا این اطلاعات بنیادین به دست بیاید، باید از حملات و اقدامات تروریستی بیشتر جلوگیری کنند. نهایتاً نیاز به یک نوع توافق وجود دارد، می‌توانیم در مورد اینکه این توافق چه شکلی دارد بیشتر صحبت کنیم، اما آینده نظام عدم اشاعه که در چارچوب منافع همه ملت‌ها است و اینکه این حملات چگونه بر این نظام تأثیر می‌گذارد، کاملاً به تصمیم‌هایی که در طول چند هفته آینده گرفته می‌شود، بستگی دارد.

اصلی‌ترین نقطه اختلاف میان ایران و غرب، مسئله غنی‌سازی است. ایران تأکید دارد که قصد دارد توانمندی غنی‌سازی را در خاک خود حفظ کند و ایالات متحده و متحدانش تأکید می‌کنند که اجازه نمی‌دهند این اتفاق رخ دهد. فکر می‌کنید آیا شاهد انعطافی در هر یک از طرفین برای حل این مسئله باشیم؟

انعطاف در هر دو طرف ضروری است. من موافقم که مسئله کلیدی غنی‌سازی است. دو موضوع را مورد اشاره قرار می‌دهم که معتقدم مخاطبان شما باید به آن توجه کنند. ماده ۴ پیمان عدم اشاعه هسته‌ای ۱۹۶۸ (NPT) استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را برای همه کشورهای جهان از جمله کشورهایی که هسته‌ای نیستند، تضمین می‌کند. این ماده پیمان به‌صورت مشخص اشاره نمی‌کند که حق غنی‌سازی اورانیوم را تضمین می‌کند. در ماده ۲ این پیمان هم آمده‌است که همه کشورهای غیرهسته‌ای جهان باید با پادمان‌های آژانس انرژی اتمی همکاری کنند تا تضمین شود که فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای برای ساخت سلاح هسته‌ای مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. من باور دارم در این چارچوب جا برای مصالحه وجود دارد. در گذشته شاهد چنین مصالحه‌ای بودیم، برای مثال برجام این موضوع را به رسمیت شناخت که ایران تحت پیمان عدم اشاعه (NPT) حق غنی‌سازی اورانیوم دارد تا از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای استفاده کند. اما به دلیل سابقه ایران و نگرانی‌هایی که در مورد مطالعات و پژوهش‌های [ادعایی] ایران در مورد ساخت سلاح هسته‌ای پیش از سال ۲۰۰۳ وجود داشت، هر دو طرف توافق کردند که محدودیت‌هایی